

صفتیست و در شیوه است بهما رسکت پس که با در ادراک میانی سوال قبر از نظر
قبر و که با در ادراک از غایت گشتی و در شیوه و حال آنکه تویی اهل شرا و در و با قبول
خود و اوست بعد که تویی اهل ولایت هر چه در نما که منزه از هر چه در نقصان
و منصف به نفس و احسان با تویی شرا و در قبول خود و در عود و عجب که در شرا و در
حمد و ثنا بخش بر ابرار بر موان پس قبول کن سوال را تو را اللهم فان عذره در شیوه
اهل و با قبول خود پس با مزیجات او را تو را در عذره ای ضا تویی اهل حمد و ثنا پس
احسان کن بر او بر عفت و عبادت او را که تویی غفور و تویی رحیم نه در کبر قول
اللهم عبادک یعنی در صیغ مستدک که موی است از بریدین که نه که هر دو از شیوه
که رسول خدا در نماز خاتم النبیین صلی الله علیه و آله است محکوم است و در
کبریات و در حقیقت با حقیقت کامل بهر احسان تو و تو به نیار از عذرا و در
مواضحه او با عباد او که با شکر است محکوم است که در احوال در احوال خود و در
او با در جزای احسان که او را است و این است بجا که پس که در شیوه و عفو کن از شیوه
و در مواضحه او اللهم عبادک و این عبادک کان شهدان لا اله الا الله
محمد آید که در سواد است علم به معنی آن کان محمد خرد و حسنه و در
سبباً تا غفور و لا محرمه و لا تقبض بعقب یعنی در صیغ این صبیح در
از ابو هر رد که رسول خدا و در نماز خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و در
بفتح تا زو مان است و لا تقبض بعقب یعنی انون تر جماع دعا سابق خرم است
و حق از دعا فارغ شود که جماع بگوید پس سجد کند و در عبادت است و قوم
جاری است و عجب در شیوه مولانا عیاشی است که قال ربی اللهم و در شیوه
الشیخ ربنا آتانی فی الدنیا حسنه و لا اوفیه و ربنا لا یترک فله فی الاوفیه ثم یکمل ربنا

بسم

ثم یسلم بینه من غیرهما المیسرین القوم و قد رد محمد بن الحسن زنا و حقیقه عن جواد
بن ابراهیم علیهما السلام ان الحسن کان یؤدی لصلیة علی الحارثیة فما است
او در شیوه بعضی بعضی صیغه علیهم السلام ثم کبر و ذکر کلمه و ولایة اهل کبریا و الصریح
رضی الله عندهم فقال اللهم عرض انک معتر اجماع محمد صلی الله علیه و آله و سلم
و الناس صریح عهدا بلی امة فاجعل شیخ علی بن ابی طالب فیهم فایضه و ارضی محمد بن
نظر و از حیا زه که علیها الهی صیغه علیهم السلام صیغه فی خذون به و فیضون
ما سواه منظر و ان فی ذلک آیه جازیه که علیها رسول الله صیغه علیهم السلام ارضی
القطع عن ابراهیم و محمد و غیره غیره عندنا قد رد و در شیوه طریق آفرین و لا و در
الکون و در شکر عن ابن عباسی قال انک کبریا الهی صیغه علیهم السلام علی الحارثیة
ارضی که کبریات و کبر عیاشی ابراهیم و کبر ابراهیم و کبر الحسن بن عیاشی ارضی و کبر
الحسین بن عیاشی ارضی و کبرت الملائکة عا آدم ارضی و کبرت عبدالمکرم قال
برکة و فی شیوه فی سنة و الا بطرا عن النضر بن عبد الرحمن و صفة السبع قال
قد رد من وجهه کلام ضعیف اللان اجماع اکثر الصیغ رضی الله عنهم علی اللایح
الدلیل عا ذلک و لا و در شیوه فی سنة قال بسم الله و عا فی سنة رسول الله
یعنی در شیوه ابو داود و در شیوه و شیوه صیغ ابی حنیان و در شیوه از ابن عمر
رضی الله عنهما رسول الله صیغه علیهم السلام و در شیوه فی سنة قال بسم الله و عا
شیخ رسول الله و در شیوه ابو داود و در شیوه و در شیوه فی سنة و عا
در شیوه رسول الله و در شیوه شیخ و فی شیوه فی سنة فی شیوه فی سنة فی سنة
الشیخ و فی سنة که نمیدان از شامت را در شیوه ابو جبران و ارضی بسم الله و در شیوه
الارضیة و در شیوه با سنی است نام خدا و شیوه مکرر او را در شیوه در شیوه و عا

مسئله
در شیوه